

۱- اگر در بیعی شرط شود که مشتری تا هر زمان خواست، حق فسخ بیع را دارد و مشتری ثمن را پردازد و مبیع به او تسلیم شود و در تصرف او تلف شود، کدام گزینه صحیح است؟

(۱) مشتری باید بدل مبیع را به بایع بدهد و نمی‌تواند ثمن را مسترد کند.

(۲) لازم نیست مشتری بدل مبیع را به بایع بدهد و می‌تواند ثمن را مسترد کند.

(۳) لازم نیست مشتری بدل مبیع را به بایع بدهد و نمی‌تواند ثمن را مسترد کند.

(۴) مشتری باید بدل مبیع را به بایع بدهد و می‌تواند ثمن را مسترد کند.

۲- اگر ضمن بیع بایع بر مشتری شرط کرده باشد که تا ده سال حق انتقال مبیع را ندارد و سه سال پس از انعقاد بیع اول، مشتری مبیع را به خود بایع بفروشد، کدام گزینه صحیح است؟

(۱) بیع دوم غیرنافذ است.

(۲) بیع دوم باطل است.

(۳) بیع دوم صحیح است.

(۴) بیع اول باطل است.

۳- کدام یک از احکام زیر در مورد بیع مال کلی و عین معین مشترک است؟

(۱) ضمان درک

(۲) حق حبس

(۳) خیار تخلف از شرط صفت

(۴) همه موارد

۴- اگر خیار عیب در بیع اسقاط شده باشد و مبیع در حین عقد معیوب نباشد اما بعد از عقد و قبل از قبض دچار عیب شود، کدام گزینه صحیح است؟

(۱) مشتری حق فسخ قرارداد و مطالبه ارزش ندارد.

(۲) مشتری حق فسخ قرارداد را دارد اما حق مطالبه ارزش ندارد.

(۳) مشتری حق مطالبه ارزش دارد اما حق فسخ قرارداد را ندارد.

(۴) مشتری حق فسخ قرارداد و مطالبه ارزش دارد.

۵- صحیح‌ترین گزینه در مورد ماهیت بیع کدام است؟

(۱) عقد تملیکی است.

(۲) عقد تملیکی است و تعهداتی نیز بر عهده بایع و مشتری ایجاد می‌کند.

(۳) بعضاً عقد تملیکی و بعضاً عقد عهدی است.

۴) عقد عهده‌ای است که منجر به تملیک می‌شود.

۶- کدام گزینه در مورد خیار حیوان غلط است؟

۱) خیار حیوان مختص مال عین معین است.

۲) خیار حیوان مختص حیوان زنده است.

۳) خیار حیوان مختص مشتری است.

۴) مدت خیار حیوان، سه روز از حین عقد است.

۷- اگر یک نفر از سمساری یک تخت به بهای ۲۰۰ هزار تومان و یک میز به بهای ۳۰۰ هزار

تومان بخرد و بعداً کشف شود که تخت معیوب بوده، کدام گزینه صحیح است؟

۱) مشتری می‌تواند تخت و میز را رد کند و ۵۰۰ هزار تومان پس بگیرد.

۲) مشتری می‌تواند تخت را رد کند و ۲۰۰ هزار تومان پس بگیرد.

۳) مشتری یا باید بیع را نسبت به تخت و میز با هم فسخ کند یا فقط می‌تواند ارش بگیرد.

۴) مشتری فقط می‌تواند ارش بگیرد.

۸- کدام گزینه در مورد خیار شرط در قرارداد پیمانکاری ۲۰ ساله صحیح نیست؟

۱) اگر شرط شود که طرفین تا پایان قرارداد حق فسخ آن را دارند، خیار شرط صحیح است.

۲) اگر ابتدای مدت خیار ذکر نشده باشد، خیار شرط صحیح است.

۳) اگر خیار شرط برای شرکت وابسته کارفرما مقرر شده باشد، خیار شرط صحیح است.

۴) اگر ابتدای خیار شرط معین باشد و پایان آن به نحوی باشد که احتمال کم و زیاد در آن می‌رود،

خیار شرط صحیح است.

۹- اگر «الف» کالای معیوبی از «ب» بخرد و بدون آگاهی از عیب، آن را به «ج» بفروشد،

کدام گزینه صحیح است؟

۱) «ج» حق فسخ بیع دوم و «الف» حق فسخ بیع اول را ندارد.

۲) «ج» حق فسخ بیع دوم را دارد و «الف» در هر حال حق فسخ بیع اول را ندارد.

۳) اگر مبیع به «الف» رد نشود، «الف» حق فسخ بیع اول را ندارد.

۴) «ج» حق فسخ بیع دوم را دارد و «الف» در هر حال حق فسخ بیع دوم را دارد.

۱۰- اگر «الف» سه اسب داشته باشد که در یک مسابقه با حضور چند اسب دیگر شرکت کرده‌اند، کدام گزینه صحیح است؟

(۱) اگر «الف» یکی از اسب‌ها را معین کند و آن را معلق بر برنده شدن در مسابقه، به «ب» بفروشد، بیع صحیح است.

(۲) اگر «الف» به نحو معلق هر کدام از اسب‌های خود را که در مسابقه برنده شود به «ب» بفروشد، بیع صحیح است.

(۳) اگر «الف» به نحو معلق هر کدام از اسب‌های خود را که در مسابقه از دو اسب دیگر پیشی بگیرد به «ب» بفروشد، بیع صحیح است.

(۴) همه موارد

۱۱- با توجه به صلاحیت ولی محجور در اداره اموال او، اگر پدر شخص ۱۷ سال‌های اتومبیل او را به مدت ۲ سال به اجاره دهد و مالک در سن ۱۸ سالگی به رشد برسد، کدام گزینه در خصوص وضعیت اجاره صحیح است؟

(۱) اجاره به مدت یک سال نافذ و پس از آن غیرنافذ است.

(۲) اجاره به مدت یک سال نافذ و پس از آن باطل است.

(۳) اجاره نسبت به همه دوسال صحیح است.

(۴) اجاره نسبت به همه دو سال غیرنافذ است.

۱۲- اگر «الف» اتومبیل خود را به مدت ۶ ماه به «ب» اجاره دهد و «ب» بعد از گذشت ۳ ماه، اتومبیل را برای ۳ ماه باقیمانده به ج اجاره دهد و به او تسلیم کند و عین مستأجره در ید «ج» و بدون تعدی و تفریط او تلف شود، حکم قضیه چیست؟

(۱) هردو اجاره از ابتدا صحیح است و نسبت به زمان بعد از تلف منفسخ می‌شود.

(۲) هردو اجاره از ابتدا صحیح است و بعد از تحقق اجاره دوم، اجاره اول منفسخ می‌شود و بعد از تلف عین، اجاره دوم منفسخ می‌شود.

(۳) اجاره دوم از ابتدا غیرنافذ است و اجاره اول نسبت به زمان بعد از تلف منفسخ می‌شود.

(۴) هردو اجاره از ابتدا صحیح است ولی تسلیم عین مستأجره به مستأجر جدید بدون اذن مالک معتبر نیست بنابراین «ب» و «ج» متضامناً مسئول تلف مال هستند.

۱۳- شرکت حمل و نقل «الف» به تاریخ دهم مرداد یک اتوبوس به مقصد ایروان دارد. «ب» در مقابل «ج» تعهد می‌کند که بلیت سفر مزبور را برای او فراهم کند. با توجه به این که انتقال بلیت اتوبوس در قالب «اجاره اشیا و اشخاص» قرار می‌گیرد، کدام گزینه صحیح است؟

۱) قرارداد «ب» و «ج» اجاره فضولی است بنابراین اگر «الف» آن را تنفیذ نکند، باطل است و «ج» می‌تواند از «ب» خسارت بگیرد.

۲) قرارداد «ب» و «ج» اجاره فضولی است بنابراین اگر الف آن را تنفیذ نکند، باطل است و «ج» نمی‌تواند از «ب» خسارت بگیرد.

۳) قرارداد «ب» و «ج» موجد نوعی تعهد به فعل ثالث است و اگر «ب» بلیت اتوبوس را تهیه نکند، مسئول جبران خسارت وارد شده به «ج» نیست.

۴) قرارداد «ب» و «ج» موجد نوعی تعهد به فعل ثالث است و اگر «ب» بلیت اتوبوس را تهیه نکند، مسئول جبران خسارت وارد شده به «ج» است.

۱۴- اگر در مضاربه قید شده باشد که عامل تجارت خاصی انجام دهد و پس از انعقاد قرارداد، آن تجارت قانوناً ممنوع شود، کدام گزینه در مورد وضعیت مضاربه صحیح است؟

۱) عامل می‌تواند هر قسم تجارت دیگری که صلاح بداند انجام دهد مگر این که مالک صراحتاً او را منع کند.

۲) عامل می‌تواند به نحو متعارف به تجارت ادامه دهد.

۳) هریک از طرفین می‌تواند مضاربه را فسخ کند و در صورت عدم فسخ، عامل باید به نحو متعارف به تجارت ادامه دهد.

۴) مضاربه منفسخ خواهد شد.

۱۵- اگر ضمن عاریه شرط نتیجه شود که معیر مأذون در اداره مالی باشد که بین معیر و مستعیر مشاع است، در کدام حالت اذن معیر برای اداره مال مشاع از بین نمی‌رود؟

۱) تقسیم مال مشاع

۲) تلف کامل مال مشاع

۳) فسخ عاریه

۴) در همه این موارد، اذن از بین می‌رود.

۱۶- اگر شخصی انگوی طلایی را نزد دیگری ودیعه بگذارد و قید کند که مستودع باید آن را در گاوصندوق نگهداری کند، کدام گزینه صحیح است؟

(۱) اگر مستودع یک بار انگو را استفاده کرده باشد، ضامن تلف آن است حتی اگر بعد از استفاده، مجدداً آن را در گاوصندوق نگهداری کند.

(۲) مستودع مطلقاً ضامن تلف انگوست حتی اگر تعدی و تفریط نکرده باشد.

(۳) اگر شرط عدم ضمان شده باشد و مستودع در نگهداری از مال تقصیر سبک غیرعمدی کرده باشد، ضامن تلف آن نیست.

(۴) شرط ضمان در ودیعه طلا و نقره بی‌فایده و باطل است.

۱۷- اگر در عقد مزارعه شرط شده باشد که تمام ثمره متعلق به مزارع باشد، کدام گزینه صحیح است؟

(۱) عقد باطل است و تمام ثمره متعلق به صاحب بذر است.

(۲) شرط مبطل است و تمام ثمره متعلق به عامل است و مزارع مستحق اجرت‌المثل است.

(۳) عقد صحیح و شرط باطل است و ثمره به نحو متعارف بین طرفین تقسیم می‌شود.

(۴) این قرارداد اجاره اشخاص و صحیح است و عامل مستحق اجرت‌المثل عمل خود خواهد بود.

۱۸- کدام گزینه در مورد انحلال عاریه صحیح است؟

(۱) اگر عاریه ضمن عقد لازم خارج شرط شده باشد، با فوت هر کدام از طرفین منحل خواهد شد.

(۲) فقط اگر انتفاع از مال به قید مباشرت مستعیر باشد، با فوت مستعیر عاریه منحل خواهد شد.

(۳) عاریه با حجر معیر منحل نخواهد شد.

(۴) اگر مستعیر در نگهداری از مال تعدی و تفریط کند، عاریه منحل خواهد شد.

۱۹- کدام یک از عقود زیر باطل است؟

(۱) جعاله برای نقاشی صور قبیحه

(۲) مضاربه برای مطلق تجارت

(۳) عاریه با شرط ضمان منفعت ناشی از صرف استعمال

(۴) اجاره مال توسط مستعیر

۲۰- «الف» یک تن میلگرد به دیگری قرض می‌دهد که در هنگام قرض ارزش آن در بازار دو میلیون تومان است و در هنگام مطالبه مالک، در بازار بسیار کمیاب می‌شود و ارزش آن به چهار میلیون تومان می‌رسد. مقترض باید چه چیزی به مقرض بدهد؟

(۱) یک تن میلگرد با اوصاف میلگرد قرض داده شده

(۲) دو میلیون تومان

(۳) چهار میلیون تومان

(۴) یک تن میلگرد با اوصاف میلگرد قرض داده شده یا چهار میلیون تومان

پاسخنامه

۱- گزینه ۴ صحیح است. طبق مستفاد از ماده ۴۰۱ ق.م، خیار شرط دایمی باطل است و باعث بطلان عقد می‌شود و وقتی بیع باطل باشد، طبق ماده ۳۶۵ ق.م، انتقال مالکیت مبیع و ثمن تحقق نمی‌یابد و طبق ماده ۳۶۶ ق.م، شخصی که مالی را به عقد فاسد قبض کرده، باید عین آن را مسترد کند و در صورت تلف، ضامن بدل آن نیز خواهد بود. زیرنویس ۴ ماده ۴۰۱ ق.م

۲- گزینه ۳ صحیح است. سلب حق تصرفات ناقله بر مشتری اگر به مدت محدود و معین باشد صحیح است و حق انتقال مشتری را از بین می‌برد منتها باید توجه داشت که حق تصرفات مشتری به نحو مطلق ساقط نمی‌شود بلکه اسقاط حق مشتری مقید به عدم رضای بایع است بنابراین معاملات مشتری در این فرض علی‌الاصول غیرنافذ است و با تنفیذ بایع، نافذ می‌شود اما در این مسئله باید توجه داشت که فروش به خود بایع صورت گرفته است بنابراین طبیعتاً بایع (مشروطه) به این انتقال راضی است و لذا بیع دوم نیز صحیح است. ر.ک درس‌هایی از عقود معین، ج ۱، ش ۳۱

۳- گزینه ۲ صحیح است. اطلاق ماده ۳۷۷ ق.م شامل مورد معامله عین معین و نیز کلی می‌شود اما ضمان درک در فرض بیع فضولی مطرح می‌شود و مختص مبیع عین معین است زیرا در مورد مبیع کلی، فضولی بودن بیع متصور نیست. ضمانت اجرای تخلف از شرط صفت نیز طبق ماده ۲۳۵ ق.م حق فسخ قرارداد است در حالی که می‌دانیم در مورد مبیع کلی، اگر مصداقی که به مشتری تحویل داده می‌شود، فاقد اوصاف مذکور در قرارداد باشد، بایع ملزم به تعیین مصداق منطبق با اوصاف قراردادی می‌شود و فسخ قرارداد ممکن نیست لذا شرط صفت نیز مختص مال عین معین است. زیرنویس ۴ ماده ۳۹۰ ق.م.

۴- گزینه ۱ صحیح است. اسقاط خیار عیب هم ناظر به عیوب موجود در زمان عقد است و هم عیوب حادث را در برمی‌گیرد. وانگهی، خیار عیب شامل هر دو اختیار فسخ قرارداد و مطالبه ارزش می‌شود بنابراین وقتی خیار عیب ساقط می‌شود، مشتری نه می‌تواند قرارداد را فسخ کند نه حق مطالبه ارزش دارد. ر.ک اعمال حقوقی، شماره‌های ۳۹۶ و ۴۰۵

۵- گزینه ۲ صحیح است. طبق ماده ۳۳۸ ق.م، بیع به هر حال عقد تملیکی است حتی اگر مبیع کلی باشد و در زمان انعقاد قرارداد، مالکیت هیچ مال معینی به مشتری منتقل نشود اما باید توجه داشت که عقد بیع، علی‌رغم ماهیت تملیکی آن، تعهداتی نیز بر عهده طرفین می‌گذارد که مهم‌ترین مصداق آن، تعهد تسلیم مبیع و تعهد تأدیه ثمن است. نک بندهای ۳ و ۴ ماده ۳۶۲ ق.م و ر.ک درس‌هایی از عقود معین، ج ۱، شماره‌های ۵ و ۷

۶- گزینه ۳ صحیح است. خیار حیوان مختص مشتری نیست و اگر ثمن حیوان معین زنده باشد، بایع نیز حق فسخ قرارداد به استناد خیار حیوان را دارد. خیار حیوان مختص حیوان زنده عین معین است و طبق ماده ۳۹۸ ق.م، مهلت اجرای آن سه روز از زمان انعقاد قرارداد است. نک ماده ۳۹۸ ق.م و زیرنویس‌های ۱، ۲ و ۳ آن

۷- گزینه ۲ صحیح است. در این مسئله، در واقع دو بیع مختلف رخ داده است که هیچ پیوندی بین آن دو وجود ندارد بنابراین در مورد بیع میز اساساً خیار عیب وجود ندارد و در مورد بیع تخت، مشتری مختار است که بیع را فسخ کند یا ارش بگیرد. نک ماده ۴۳۱ ق.م و زیرنویس ۲ آن

۸- گزینه ۴ صحیح است. طبق ماده ۴۰۱ ق.م، مدت خیار شرط باید معین باشد بنابراین وقتی انتهای مدت مجهول است، خیار شرط و بیع هر دو باطل است. زیرنویس ۱ ماده ۴۰۰ ق.م. خیار شرطی که تا پایان مدت قرارداد موقت باشد، بلامانع است زیرا مدت آن معین و محدود به انقضای قرارداد است. در مورد گزینه‌های ۲ و ۳ نک مواد ۴۰۰ و ۳۹۹ ق.م.

۹- گزینه ۳ صحیح است. برای تحقق خیار عیب لازم نیست که بایع عالم به عیب مبیع باشد و کافی است که مبیع در هنگام انعقاد قرارداد معیوب باشد بنابراین مشتری دوم نسبت به بیع دوم قطعاً خیار عیب دارد اما در مورد خیار عیب مشتری اول باید توجه داشت که طبق بند ۱ ماده ۴۲۹ ق.م، انتقال مبیع توسط مشتری به غیر علی‌الاصول مانع فسخ قرارداد است و مشتری در این حالت اصولاً فقط حق مطالبه ارش دارد منتها اگر بعداً مبیع به علتی به مشتری رد شود، (مثلاً در اثر فسخ بیع دوم توسط مشتری دوم) مشتری اول حق فسخ بیع اول را نیز خواهد داشت. زیرنویس ۱ ماده ۴۲۹ ق.م

۱۰- گزینه ۱ صحیح است.

طبق مواد ۲۱۶ و ۳۴۲ ق.م، مبیع باید معلوم و معین باشد و بیع مال مردد در حقوق ایران باطل است بنابراین در هر صورتی که مبیع در قرارداد تعیین نشود و تعیین آن وابسته به امر دیگری باشد، در حقوق ایران دشوار و حتی غیر ممکن است که بتوان بیع را صحیح دانست اما وقتی مبیع معین شود و صرفاً اثر قرارداد معلق به برنده شدن اسب در مسابقه شود، بیع صحیح است. رک درس‌هایی از عقود معین، ج ۱، ش ۵۲

۱۱- گزینه ۳ صحیح است. اجاره دادن مال محجور جزء اعمال اداری است و ولی محجور صلاحیت اداره اموال او را دارد بنابراین نمی‌توان گفت اجاره فقط تا زمان بقای حجر صحیح است بلکه باید گفت چون ولی محجور در زمان انعقاد اجاره، صلاحیت اداره اموال محجور را داشته، اجاره تا پایان مدت صحیح است. رک. درس‌هایی از عقود معین، ج ۱، ش ۱۵۰



۱۲- گزینه ۱ صحیح است. طبق ماده ۴۷۴ ق.م.م. مستأجر علی‌الاصول می‌تواند مال را به دیگری اجاره دهد مگر این که این حق صراحتاً از او سلب شده باشد و لازمه اختیار مستأجر در اجاره دادن مال این است که اختیار تسلیم عین مستأجره به مستأجر دوم را نیز داشته باشد بنابراین اجاره دوم و تسلیم عین مستأجره به مستأجر دوم هر دو صحیح است و طبق ماده ۴۸۳ ق.م.م. هر دو اجاره نسبت به زمان بعد از تلف منفسخ می‌شود. نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که در نظام قانون مدنی، مستأجر علی‌الاصول برای خود مستأجر می‌گیرد و نمی‌تواند خود از رابطه قراردادی‌ای که با موجر دارد کنار رود اما در نظام قانون ۵۶ و طبق ماده ۱۰ این قانون، مستأجر برای خود مستأجر نمی‌گیرد بلکه می‌تواند منافع مال را در صورت اجازه مالک یا دادگاه، به دیگری انتقال دهد و رابطه استیجاری خود را با مالک قطع کند.

۱۳- گزینه ۴ صحیح است. وقتی اجاره فضولی است که شخص منافع مال عین معینی را به دیگری تملیک کند در حالی که مالک منافع آن مال نیست و در این مسأله نیز هر چند بلیت اتوبوس کلی است ولی همه مصادیق آن متعلق به شرکت «الف» است و منفعت مورد نظر از جنس کلی در معین است و منطقاً می‌توان آن را نوعی اجاره فضولی دانست اما همان طور که از ظاهر سؤال آشکار است، در این مسئله انتقال منفعت رخ نداده بلکه «ب» تعهد کرده که مالک منفعت را به انعقاد قرارداد راضی کند بنابراین اجاره فضولی تحقق نیافته بلکه تعهد ناشی از این توافق، نوعی تعهد به فصل ثالث است که اگر از آن تخلف شود، متعهد (یعنی ب) ملزم به جبران خسارت متعهدله خواهد بود. ر.ک. درس‌هایی از عقود معین، ج ۱، ش ۱۵۷

۱۴- گزینه ۴ صحیح است. طبق مستفاد از ماده ۵۵۳ ق.م.م. در مضاربه ممکن است تجارتي که عامل باید انجام دهد قید شود و نیز ممکن است مضاربه برای مطلق تجارت باشد و مضاربه در هر دو صورت صحیح است و طبق بند ۴ ماده ۵۵۱ ق.م.م. اگر تجارتي که منظور طرفین بوده غیر ممکن شود، مضاربه منفسخ می‌شود و بدیهی است که ممنوعیت قانونی انجام تجارت مورد نظر، باعث غیرممکن شدن انجام آن می‌شود زیرا «الممتنع شرعاً کالممتنع عقلاً».

۱۵- گزینه ۴ صحیح است. طبق ماده ۵۷۸ ق.م.م.، اذن اداره مال مشاع هر زمان قابل رجوع است مگر این که ضمن عقد لازمی شرط شده باشد که در این صورت تابع عقد لازم می‌شود و جز در صورت انحلال عقد لازم از بین نمی‌رود و اگر ضمن عقد لازم شرط شده باشد که شریک حق رجوع از اذن را ندارد، در این صورت تا زمان بقای عقد اصلی، حق رجوع از اذن از بین می‌رود. اشتراط اذن در ضمن عقد جایز به صورت شرط نتیجه نیز اذن را به عقد جایز پیوند می‌زند بنابراین اذن تا زمان بقای عقد جایز باقی می‌ماند و پس از آن از بین می‌رود بنابراین در این مسئله، پس از فسخ عاریه، اذن نیز

زایل می‌شود. در مورد گزینه‌های ۱ و ۲ نیز باید توجه داشت که تقسیم مال مشاع و نیز تلف کل آن باعث رفع شرکت می‌شود و بدیهی است که اذن برای اداره مال مشاع داده شده بنابراین وقتی اصل اشاعه از بین می‌رود، اذن اداره مال مشترک نیز مآلاً از بین می‌رود و این معنا از ماده ۵۷۸ ق.م. نیز قابل استنباط است زیرا بقای اذن اداره مال مشاع را منوط به بقای شرکت می‌داند.

۱۶- گزینه ۳ صحیح است. طبق ماده ۶۱۴ ق.م.، مستودع جز در صورت تعدی و تفریط، ضامن تلف مال نیست ولی باید توجه داشت که شرط عدم ضمان بر مستودع نیز نافذ است که در این صورت مستودع ضامن تلف مال که ناشی از تقصیر سبک یا خیلی سبک باشد نخواهد بود منتها اگر تلف مال ناشی از خطای عمدی یا تقصیر سنگین مستودع باشد، شرط عدم ضمان مؤثر نیست و مستودع ضامن تلف مال خواهد بود. زیرنویس ۶ ماده ۶۱۴ ق.م.

گزینه ۱ از این جهت غلط است که اگر مستودع در نگهداری از مال تعدی و تفریط کند، ید او فقط در دوران تعدی و تفریط تبدیل به ید ضمانی می‌شود و وقتی دست از تعدی و تفریط بردارد، مجدداً ید او امانی می‌شود و ضامن تلف مال نخواهد بود.

گزینه ۲ از این جهت غلط است که ضمان مطلق شخص امین نسبت به طلا و نقره طبق ماده ۶۴۴ ق.م. مختص عاریه طلا و نقره است و در این مسئله، الگوی طلا به ودیعه داده شده نه به عاریه و به این ترتیب مشخص می‌شود که گزینه ۴ نیز غلط است زیرا از آنجا که مستودع به حکم قانون ضامن تلف طلا نیست، کاملاً منطقی و مفید است که مودع بخواهد بر او شرط ضمان کند و شرط ضمان بر امینی که تعدی و تفریط نکرده نافذ است در حالی که شرط ضمان بر مستعیر طلا و نقره بی‌فایده است زیرا نوعی تحصیل حاصل محسوب می‌شود و چیزی فراتر از آنچه در ماده ۶۴۴ ق.م. مقرر شده، مقرر نمی‌دارد. زیرنویس ۵ ماده ۶۱۴ ق.م.

۱۷- گزینه ۱ صحیح است. نک مواد ۵۳۲، ۵۳۳ و ۵۲۱ ق.م.

۱۸- گزینه ۱ صحیح است. وقتی عقد جایز ضمن عقد لازم شرط می‌شود، امکان فسخ آن از بین می‌رود اما عقد از ماهیت جایز خود دور نمی‌افتد بنابراین در این حالت نیز کماکان عقد با فوت هریک از طرفین منحل خواهد شد.

گزینه ۲ کاملاً غلط است زیرا برخلاف آنچه در ماده ۴۹۷ ق.م. در خصوص مستأجر بیان شده، انحلال عاریه به فوت مستعیر مستلزم قید مباشرت او نیست بلکه طبق ماده ۶۳۸ ق.م.، عاریه عقدی جایز است و با فوت یا حجر هریک از طرفین منحل می‌شود و به این ترتیب علت غلط بودن گزینه ۳ نیز آشکار است.

## سوالات تستی درس حقوق مدنی ۶

### احسان نصحی

#### سایت حقوق گستر

گزینه ۴ از این جهت غلط است که، همان طور که در جواب سؤال ۱۳ بیان کردیم، تعدی و تفریط امین، عقد امانی را زایل نمی کند بلکه فقط باعث می شود که ید او در زمان تعدی و تفریط تبدیل به ید ضمانی شود.

۱۹- گزینه ۱ صحیح است. نک ماده ۵۷۰ ق.م.

در مورد گزینه های ۲ و ۳ نک مواد ۵۳۳ و ۶۴۳ ق.م.

گزینه ۴ از این جهت غلط است که طبق ماده ۴۷۳ ق.م.، موجر باید مالک منفعت عین مستأجره باشد و مستعیر مالک منفعت عین مستأجره نیست اما چنین اجاره ای باطل نیست بلکه طبق اصول کلی، فضولی و لذا غیرنافذ محسوب می شود.

۲۰- گزینه ۱ صحیح است. طبق ماده ۶۵۰ ق.م.، مقترض باید مثل مال موضوع قرض را به مقترض بدهد، حتی اگر قیمت آن مال در بازار ترقی یا تنزل کرده باشد و البته طبق قسمت اخیر ماده ۶۴۸ ق.م.، در صورت تعذر رد مثل مال، یعنی در صورتی که مثل مال یافت نشود، مقترض باید قیمت یوم الرد را بدهد منتها در این مسئله رد مثل متعذر نیست زیرا مصادیق آن مال در بازار کمیاب شده و طبیعتاً نایاب نشده است و ترقی قیمت آن نیز ناشی از کاهش عرضه بوده است.